

سایبر و هیئت

ویرایش جدید

اهانت مفتیان و قائلان به ساحت مقدس نبوی ﷺ

با استناد به روایات کتاب مسلم و بخاری

گروه مخاطب: طلاب، دانشجویان؛ اساتید حوزه و دانشگاه

سید مجتبیٰ عصیری

سرشناسه	عصری، مجتبى، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	پیامبر وهابیت: امانت مقتیان وهابى به ساخت مقدس نبوى صلى الله عليه وآله با استناد به روایات کتاب مسلم و بخارى / مجتبى عصرى.
وضعیت ویراست	: ویراست ۲.
مشخصات نشر	: قم: رشید، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۶ ص.
شابک	: 978-600-6333-07-6
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
یادداشت	: ویراست قبلى کتاب حاضر با عنوان «پیامبر وهابیت» در سال ۱۳۸۹ توسط همین ناشر در ۱۸۲ صفحه منتشر شده است.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۸۷ - ۳۰۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: وهابیه - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها - احادیث اهل سنت
موضوع	: محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - احادیث اهل سنت
موضوع	: محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - مخالفان
رده‌بندی کتبه	: ۱۳۹۱ پ ۹ ع ۶ / ۲۰۷ / ۶ BP
رده‌بندی یو. یو. سی	: ۲۹۷/۳۱۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۱ ۵۶۹

شناسنامه کتاب

پیامبر وهابیت

نویسنده: سید مجتبى عصرى - ۳۴۹

ناشر: رشید

شماره شابک: ۶ - ۰۷ - ۶۳۳۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

لیتوگرافى، چاپ و صحافى: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰

بهاء: ۷۰۰۰ تومان

تهیه کتاب: ۰۹۳۹۵۹۵۶۴۶۴

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

فهرست مطالب

۱۷	 آغاز سخن
۱۷	 شناخت اجمالی وهابیت
۱۹	 چشم انداز کتاب
۲۰	 «خدای وهابیت» کیست؟
۲۱	 «خدای من» کیست؟
۲۳	 «پیامبر وهابیت» کیست؟
۲۶	 «پیامبر من» کیست؟
۳۱	 دیباچه

فصل نخست: فتاوی اهانت آمیز به پیامبر اکرم ﷺ

۴۱	 فتاوی اهانت آمیز علمای وهابی
۴۲	 ۱. اهداء ثواب ختم قرآن به پیامبر ﷺ بدعت و حرام است!
۴۲	 ۲. صلوات بر پیامبر ﷺ در اذان، بدعت و حرام است!
۴۳	 ۳. کشتن مؤذن به جرم صلوات بر پیامبر در اذان!
۴۵	 ۴. خشنودی، به پاس میلاد پیامبر ﷺ بدعت و حرام است!
۴۶	 ۵. جشن میلاد پیامبر ﷺ بدعت و حرام است!

- ۴۶..... جشن‌های ملی عربستان، عملی مشروع!
- ۴۸..... ۶. زیارت قبر پیامبر، سلام و دعا نزد قبر وی بدعت و حرام است!
- ۴۸..... ۷. رفتن به غار حراء بدعت و حرام است!
- ۴۹..... ۸. نوشتن نام خدا و پیامبر ﷺ در کنار هم ممنوع!
- ۵۱..... ۹. دستکاری و تحریف در ضریح مطهر پیامبر ﷺ
- ۵۵..... ۱۰. دستکاری و تحریف در نقش دیوارهای صحن مسجد النبی ﷺ
- ۵۶..... ۱۱. خراب کردن مسجد نبوی ضروری‌تر از خراب کردن مسجد ضرار!
- ۵۷..... ۱۲. فتوی «الان» در دیوارکشی مقابل قبر پیامبر!
- ۵۸..... ۱۳. پیامبر ﷺ برین مخلوق خداوند نیست!
- ۵۹..... ۱۴. تخریب همه مساجد که فراز قبور بنا گشته از جمله مسجد النبی!...
- ۶۲..... ۱۵. علت عدم تخریب گنبد و بارگاه پیامبر ﷺ
- ۶۳..... ۱۶. برجستگی شبیه به جنازه روی کنید مسجد النبی چیست؟
- ۶۵..... ۱۷. تهمت به زیارت کنندگان قبر مطهر پیامبر ﷺ
- ۶۸..... ۱۸. ابن تیمیه و قیح‌ترین اهانت به پیامبر ﷺ
- ۶۹..... ۱۹. تنزل مقام پیامبر ﷺ نزد «محمد بن عبدالوهاب» و پیروانش تا حد!...
- ۷۰..... ۲۰. زیارت قبر پیامبر ﷺ شرک و از وسوسه‌های شیطان!
- ۷۱..... ۲۱. منشاء زیارت قبر پیامبر ﷺ پرستش بت لات!
- ۷۱..... ۲۲. قصد زیارت پیامبر ﷺ دشمنی با خدا و دین او!
- ۷۵..... ۲۳. عقیده وهابیت در سوگند یادکردن به پیامبر!
- ۷۶..... ۲۴. وهابیت و تبدیل خانه همسر پیامبر به دستشویی و توالت!
- ۸۹..... ۲۵. وهابیت و تخریب قبر مادر پیامبر ﷺ
- ۹۰..... ۲۶. وهابیت و تبدیل زادگاه پیامبر به محل خرید و فروش حیوانات!
- ۹۱..... ۲۷. وهابیت و بازسازی خانه محمد بن عبد الوهاب
- ۹۲..... ۲۸. وهابیت و حراست از قلعه مرخب خیبری
- ۹۳..... ۲۹. وهابیت و حراست از قاعه که الان در مدینه

۳۰. وهابیت و تخریب ستون رمی جمرات ۹۳
۳۱. وهابیت و ساخت نماد اَبلیسک بر فراز خانه کعبه ۹۶
۳۲. وهابیت و ساخت نماد اَبلیسک در بالای جبل الرحمه ۱۰۰
۳۳. وهابیت و رهاسازی میمون در اطراف غار حراء ۱۰۱

فصل دوم: روایات اهانت آمیز به پیامبر خدا ﷺ

۱. پیامبری که مشرک‌زاده بود! ۱۰۶
۲. پیامبری که در نبوت خود شک داشت! ۱۰۸
۳. پیامبری که بی‌جهت دیگران را لعن می‌نمود! ۱۰۹
۴. پیامبری که به ساده‌ترین امور دنیا آشنا نبود! ۱۱۱
۵. پیامبری که قرآن را فاموش می‌کند! ۱۱۲
۶. پیامبری که آیات شیطانی بر او نازل می‌شود ۱۱۵
۷. پیامبری که نماز را فراموش می‌کند! ۱۱۹
۸. پیامبری که در آغل گوسفندان نمر می‌خوابد! ۱۲۲
۹. پیامبری که نمازهای عجیب و غریب می‌خواند! ۱۲۳
۱۰. پیامبری که در نماز به یاد زیورآلات همسران خرویش است! ۱۲۵
۱۱. پیامبری که نماز صبح او قضا می‌شد! ۱۳۴
۱۲. پیامبری که در حال جنابت به مسجد می‌رود! ۱۳۵
۱۳. پیامبری که ایستاده بول می‌کند! ۱۳۶
۱۴. پیامبری که از لخت شدن در برابر دیگران پرهیز نداشت! ۱۴۰
۱۵. پیامبری که خادمش از همبستری وی آگاه است! ۱۴۱
۱۶. پیامبری که بیشترین کنترل جنسی را داشت ۱۴۲
۱۷. پیامبری که مسائل جنسی بیان می‌کند ۱۴۴
- الف. باکره بودن زنان در بهشت و گفتار خجالت‌آور عایشه ۱۴۷
- ب. پیامبر ﷺ در حال روزه، زبان عایشه را می‌مکید ۱۴۸
- ج. انتشار محرمانه‌ترین اسرار پیامبر ﷺ توسط عایشه ۱۴۹

۱۸. پیامبری که عاشق ساز و آواز شیطانی بود، اما ابوبکر ناخشنود از این کار!..... ۱۵۷
۱۹. پیامبری که عاشق ساز و آواز شیطانی بود، اما عمر ناخشنود از این کار!..... ۱۵۹
۲۰. پیامبری که عاشق شرکت در مجالس عروسی بود!..... ۱۶۰
۲۱. پیامبری که از دست عروس نامحرم شربت می نوشد!..... ۱۶۲
۲۲. پیامبری که موهایش را زن نامحرم می بافت!..... ۱۶۳
۲۳. پیامبری که از نبود ساز و آواز در مجلس عروسی ناخشنود بود!..... ۱۶۴
۲۴. پیامبری که عایشه بر دوش، به تماشای رقاصه ها می رفت!..... ۱۶۵
۲۵. پیامبری که آوازه خوانان، را محبوب ترین افراد می دانست!..... ۱۶۶
۲۶. پیامبری که در بستر!..... ۱۶۶
۲۷. پیامبری که در بستر!..... ۱۶۸
۲۸. پیامبری که در ایام زنانگی همسایش با آنان همبستر می شد!..... ۱۷۰
۲۹. پیامبری که مورد سحر قرار می گرفت!..... ۱۷۲
۳۰. پیامبری که نظر عمر نزد خدا بر نظرش ترجیح داشت (موافقات عمر)!..... ۱۷۴
۳۱. پیامبری که نزدیک است عمر به جای او مبعوث گردد!..... ۱۷۸
۳۲. پیامبری که از گوشت قربانی شده برای بت ها می خورد!..... ۱۷۹
۳۳. پیامبری که در رعایت عدالت میان همسرانش ناتوان بود!..... ۱۸۷
۳۴. پیامبری که چندین مرتبه قصد خودکشی داشت!..... ۱۹۰
۳۵. پیامبری که زشت ترین کلمات از دهانش خارج می شد!..... ۱۹۱
۳۶. اهانت به دیگر پیامبران الهی ۱۹۷
- الف. اهانت به حضرت آدم علیه السلام و حضرت حواء علیها السلام ۱۹۸
- ب. اهانت به حضرت سلیمان علیه السلام (آمیزش با ۱۰۰ زن در یک شب!)..... ۱۹۹
- ج. اهانت به حضرت موسی علیه السلام (عریان شدن در برابر دیدگان!)..... ۲۰۰
- د. اهانت به حضرت موسی علیه السلام (سیلی زدن به ملک الموت و کور نمودن چشم او!)..... ۲۰۳
- ه. اهانت به حضرت موسی علیه السلام (آتش زدن لانه مورچه ها!)..... ۲۰۴

- ح. اهانت به حضرت ابراهیم علیه السلام (نسبت بی ناموسی!)..... ۲۰۸
 ط. اهانت به حضرت ابراهیم علیه السلام (ختنه در ۸۰ سالگی با تیشه بخاری!)..... ۲۱۱
 انگیزه جعل روایات توهین آمیز به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله..... ۲۱۶

فصل سوم: آنچه طرفداران بخاری و مسلم باید بپذیرند!

۱. بیعت با ابوبکر امری بدون تدبیر و تسنجیده!..... ۲۲۴
 ۲. نظر امیرمؤمنان علیه السلام و عموی پیامبر در باره عمر و ابوبکر!..... ۲۲۸
 الف. نظر امیرمؤمنان علیه السلام در باره ابوبکر و عمر در کتاب بخاری و مسلم..... ۲۲۸
 ب. استبداد ابوبکر در حق اهل بیت علیهم السلام در کتاب بخاری و مسلم..... ۲۳۰
 ج. کراهت امیرمؤمنان علیه السلام از همنشینی با عمر در یک مجلس..... ۲۳۱
 ۳. خشم حضرت زهرا علیها السلام نسبت به عمر و ابوبکر!..... ۲۳۲
 ۴. عدم رضایت خدا و رسول از عایشه و حفصه!..... ۲۳۲
 ۵. بی اطلاعی عمر از حکم تنبیه!..... ۲۳۳
 ۶. دستور معاویه به لعن امیرمؤمنان علیه السلام بن ابی طالب!..... ۲۳۶
 ۷. شک پیامبر به عایشه!..... ۲۳۸
 الف. اتهام صحابه به عایشه..... ۲۴۶
 ب. اجرای حد قذف بر صحابه..... ۲۴۷
 ج. تردید پیامبر صلی الله علیه و آله به پاکدامنی عایشه..... ۲۴۹
 د. مشورت پیامبر صلی الله علیه و آله با اصحاب برای طلاق عایشه..... ۲۵۱
 هـ. قهر یک ماهه پیامبر صلی الله علیه و آله با عایشه..... ۲۵۲
 و. باور پدر و مادر عایشه به اتهام وی..... ۲۵۲
 ز. باور همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به اتهام عایشه..... ۲۵۳
 ح. انگیزه ساخت این گونه روایات در باره عایشه..... ۲۵۴
 ۸. تهمت های متعدد به عایشه..... ۲۵۸
 الف. عایشه کنیزکی را زینت می کرد تا جوانان قریش را شکار کند!..... ۲۵۹

- ب. استفاده از روایاتی که کلمه فاحشه در آن به کار رفته!..... ۲۶۰
- ج. روایت غسل کردن عایشه در برابر فرزند برادر رضاعی خویش!..... ۲۶۲
- د. روایات جنب شدن مردان نامحرم در خانه عایشه..... ۲۶۴
- ه. شیردادن خواهر عایشه به بزرگسالان برای محرمیت با عایشه..... ۲۶۸
۹. خوراندن دارو به پیامبر پیش از وفات، توسط عایشه!..... ۲۷۵
- چ. کسی پیامبر ﷺ را مسموم نمود؟..... ۲۷۹
۱۰. اختلاف نظر امیرمؤمنان ﷺ با عثمان..... ۲۸۲
- پایان کتاب..... ۲۸۵
- مهم‌ترین منابع و مآخذ..... ۲۸۷
- از دیگر تألیفات همین نویسنده در موضوع هابیت..... ۳۰۳

خطبه كتاب

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِنْ حَسَنَاتِ السَّائِلِينَ وَلَا يَخْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ
وَلَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ، الَّذِي لَا يُذَرِّكَ بَعْدَ الْبَسْمِ وَلَا يَنَالُهُ غَوْضُ الْفِطَنِ،
الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ وَلَا نَعْتُ مَوْجُودٌ وَلَا وَبَعٌ مَفْدُودٌ وَلَا أَجَلٌ
مَمْدُودٌ، فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ وَنَشَرَ الرِّيَّاحَ بِرَحْمَتِهِ وَوَتَدَّ بِالصُّخُوفِ كَمَا أَنْ أَرْضِيهِ.
الَّذِي كَانَ مِنْ لُطْفِهِ أَنَّهُ لَمْ يَتْرِكِ الْخَلْقَ عَبَثًا حَائِرِينَ، بَلْ أَرْسَلَ إِلَيْهِمْ
مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ، لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ،
وَأَيِّدَهُمْ بِالْمُعْجَزَاتِ وَالْآيَاتِ الْبَيِّنَاتِ.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَةِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ الَّذِي خَتَمَ اللَّهُ بِهِ الرِّسَالَاتِ
وَالنُّبُوءَاتِ، وَعَلَى آلِهِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ وَالْحُجَجِ الْمُنْتَجِبِينَ. وَاللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ
عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

سپاس خدایی را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارگران، شمردن نعمت‌های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. خدایی که پای اندیشه‌ی تیزگام، در راه شناسایی او لنگ و سرِ فکرتِ ژرف، رو به دریای معرفتش بر سنگ، صفت‌های او تعریف ناشدنی، به وصف در نیامدنی، در وقت ناگتجیدنی و به زمانی خاص، نابودنی است. به قدرتش خلاق را بیافرید، به رحمتش، باده‌ها پراکند و با خرسنگ‌ها، لرزه زمین را در بر کشید.

همو که از سراط‌طی، مخلوقات را سر درگم و حیران نساخت و رسولانی هدایت‌گر و هشدارگر با معجزات و نشانه‌هایی واضح فرو فرستاد تا بدین‌سان آنان را تأیید و پیمانِ فطرت و نعمت‌های فراموش شده خداوند را بر بشر یادآور شوند.

و سلام و درودش بر بهترین مخلوقات، محمد مصطفی ﷺ که رسالت و نبوت بدو پایان بخشید و بر خاندان پاک و برگزیده‌اش و لعن جاودانه بر دشمنانشان تا روز قیامت^۱.

۱. آمیخته‌ای از خطبه اول نهج البلاغه امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و مقدمه

کتاب «الانوار العظمی» تألیف علامه محمد باقر رحمته الله (۱۳۲۹ هـ)، ج ۱، ص ۳۸۱ (۳۸۱ هـ)

آغاز سخن

شناخت اجمالی وهابیت

در کوتاه سخن، می‌توان وهابیت را قرائتی جدید از مذهب سنتی حنبلی دانست که با تفسیری سطحی و ظاهریینانه از آیات و روایات، تنها خود را مسلمان دانسته و دیگران را مشرک و ریختن خون هر مسلمان غیر وهابی را مباح می‌شمارد.

۱. بر خلاف آنچه امروز مشاهده می‌شود که وهابیت، خود را به دیگر فرقه‌های اهل سنت نزدیک کرده تا بتواند بر علیه شیعه و کشتار آنان، شبهه مشترکی ایجاد کند، اما حقیقت آن است که این فرقه در آغاز شکل‌گیری خود، کشتن تمام فرقه‌های غیر وهابی اعم از اهل سنت و شیعه را دستور کار خود قرار داد؛ چنان‌که یکی از علمای بزرگ اهل سنت در تأیید این سخن می‌گوید:

مَطْلَبٌ فِي أَتْبَاعِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْخَوَارِجُ فِي زَمَانِنَا... إَعْتَقَدُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْمُسْلِمُونَ وَأَنَّ مَنْ خَالَفَ إِعْتِقَادَهُمْ مُشْرِكُونَ، وَاسْتَبَاحُوا بِذَلِكَ قَتْلَ أَهْلِ السُّنَّةِ وَدِمَائِهِمْ...

سخن در باره پیروان محمد بن عبد الوهاب که همچون خوارج زمان ما هستند... این گروه، فقط خود را مسلمان دانسته و مخالفان خود را مشرک می‌دانند؛ اینان به همین دستاویز، خون اهل سنت را مباح شمرده و آنان را به قتل می‌رسانند...

حاشیه رد المختار علی الدر المختار، ج ۴، ص ۴۶۲، باب فی أتباع عبد الوهاب، ابن عابدین (۱۲۵۴هـ)، دار الفكر للطباعة والنشر - بیروت ۱۴۲۱هـ

این فرقه را می‌توان با مبانی فکری و اعتقادی آنان شناخت که بر اساس آموزه‌های تند، افراطی و ظاهرینانه از قرآن و روایات اسلامی با اندک بهانه‌ای حکم به تکفیر دیگران می‌دهند.^۱

این فرقه توسط «محمد بن عبد الوهاب»، متوفای ۱۲۰۵ هـ و با کمک تنگاتنگ حاکم عربستان در آن زمان، «محمد بن سعود» (جدّ اعلاّی حاکمان فعلی سعودی) و همچنین کمک‌های سرشار مالی، فرهنگی و نظامی مستشاران انگلیس در منطقه نجد و درعیّه عربستان پایه‌گذاری گردید. تفکیرات انحرافی و ریشه‌های فکری محمد بن عبد الوهاب را

۱. آیت الله العظمی شیخ جعفر سبحانی عمده مبنای اعتقادی وهابیت را موارد ذیل بر می‌شمارد:

- ۱- حرمت زیارت قبور؛
- ۲- حرمت بار بستن و سفر کردن برای زیارت پیامبر گرامی ﷺ؛
- ۳- حرمت ساخت بنا بر قبور؛
- ۴- حرمت ساخت مسجد بر قبور و نماز گزاردن در آن؛
- ۵- حرمت توسّل به انبیاء، اولیا، صالحان و اشخاصی از این قبیل؛
- ۶- حرمت اعتقاد به نفع رسیدن به اموات با اعمال شایسته‌ای که از سوی افراد زنده صورت می‌گیرد؛ همچون نذر نمودن برای آنها؛
- ۷- حرمت تبرک جستن به آنچه متعلق به انبیاء و صالحان است؛
- ۸- حرمت جشن گرفتن برای میلاد پیامبر گرامی ﷺ؛
- ۹- حرمت گریه بر اموات؛
- ۱۰- حرمت سوگند به حقّ اولیا؛
- ۱۱- حرمت سوگند به غیر خداوند سبحان؛
- ۱۲- حرمت نام گذاری فرزندان به نام‌های مرکبی که در آن، کلمه «عبد» به غیر از خداوند سبحان اضافه شده باشد؛ مانند: عبدالحسین.

می‌توان نشأت گرفته از سلف وی همچون معاویه بن ابی سفیان (متوفای ۶۰هـ)، مروان بن حکم (متوفای ۶۱هـ)، حجاج بن یوسف ثقفی (متوفای ۹۵هـ)، ابومحمد حسن بن علی بن خلف برنهای (متوفای ۳۲۹هـ) و سرانجام از ثورسین و نظریه‌پرداز مکتب وهابیت، ابن تیمیه حرانی (متوفای ۷۲۸هـ) دانست که هر یک از این تفکرات، در زمان خود محکوم به شکست بود تا این که در قرن دوازدهم هجری، توسط محمد بن عبد الوهاب، رمقی تازه گرفت و با استقبال گسترده حکام آل سعود و استعمار پیر انگلیس بهترین حربه برای ایجاد اختلاف در صفوف مسلمانان تشخیص داده شد و به همین رو از روز تأسیس این فرقه تاکنون، آنچه از این گروه دیده شده جز ایجاد اختلاف در صفوف مسلمانان و تاراج جان و مال، مرض، ناموس و حیثیت جامعه اسلامی و بشریت چیز دیگری نبوده است.

چشم‌انداز کتاب

گذشته از جنایات و مصیبت‌های از آغاز تاکنون این فرقه، شاهد آموزه‌های سست و برداشت‌های نادرست و سطحی از آیات قرآن کریم از سوی آنان هستیم که جز محرومیت از معارف ناب و متعالی اهل بیت (علیهم‌السلام) و ارائه تصویری زشت و خشن از اسلام، نتیجه دیگری در بر نداشته است.

-
۱. مطالب تفصیلی، در باره تاریخچه وهابیت، نحوه شکل‌گیری و جنایات پدیده آمده توسط این فرقه ضاله و مطالب مرتبط دیگر را می‌توانید در کتاب «شاخ شیطان» (نقد و بررسی فرقه ضاله وهابیت در هفت فصل) از همین نویسنده بخوانید.

از باب نمونه، وهابیت در موضوع توحید که اساسی‌ترین اصل دین مبین اسلام و از افتخارات آن در برابر دیگر ادیان آسمانی است، چنان سطحی و قشری‌گرایانه سخن گفته‌اند که با خرد هر انسان آزاداندیش و یا مسلمان با خبر از آموزه‌های خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام که ترجمان وحی الهی و حقایق قرآنی هستند غیر قابل پذیرش است.

بر خلاف تصوّر رایج که در مرحله نخست، وهابیت را ضلّه شیعه و مخالف افکار این مذهب می‌دانند، باید پیش از آن، آنها را ضد توحید و ربوبیت پرور نشان داد و یکتا دانست.

بنگرید آنان که شیعه را به خاطر «توسل»، «شفاعت»، «یا حسین و یا علی گفتن»، «بوسیدن خانه خلدن حرم پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام» که همه ریشه در قرآن و سنت صحیح نبوی دارند «شُرک» می‌خوانند در قلمرو توحید الهی به چه ورطه‌ای لغزیده‌اند.

«خدای وهابیت» کیست؟

آیا خدای وهابیت که در زیر به برخی از شاخصه‌های آن اشاره می‌گردد پرستیدنی و معتقدان به چنین خدایی دارای توحید ربوبی است؟

«خدایی جسمانی در سیمای جوان خوش سیما و گندمگون، با موهای فروری و در هم پیچیده، با چهره‌ای بسیار شبیه به چهره حضرت آدم، با کفش‌های زیبای زردگون، دارای اعضا و جوارحی همچون چشم، گوش، دست، پا و در عین حال بدون ریش، عورت، کبد و طحال، بر صندلی در عرش تکیه زده، گاهی سوار بر الاغ و یا پشت پشه، به آسمان دنیا فرود می‌آید، صدای خنده مستانه‌اش شنیدنی، گاهی

دیدارش نائل گردیده، وگرنه حتماً در قیامت به وضوح و روشنی همچون ماه شب چهارده، افتخار دیدارش نصیب خواهد گردید و چون او را شناسیم با ساق پای عربانش شناخته، سپس به منزلش وارد شده در برابرش به سجده افتیم؛ خدایی که مساحت بهشت و تعداد بهشتیان ساکن در آن را نمی‌داند، به همین‌روی برای خالی نماندن بخش زیادی از بهشت، گروهی از انسان‌ها را همان زمان می‌آفریند تا بخشی از بهشت، بی‌استفاده نمانده و نیز در برابر درخواست فراوان جهنم برای بلعیدن کافران و دوزخیان، پس از آن که گروه فراوانی از آنان را فوج فوج به دوزخ می‌ریزد، اما چون دوزخ را سیرایی نیست بالاخره و به ناچار خود، جهنمی گردیده و پا در آتش نهاده و اشتهای سیرایی باید در جهنم را سیرایی می‌بخشد...»^۱

شاید خواننده گرامی چنان‌تنی که گذشت را به طنز و فکاهیات شبیه‌تر بداند تا مبانی فکری و اعتقادی گروهی از مسلمانان، اما حقیقت آن است که متأسفانه نه تنها اینها اعتقادات گروهی داعیه‌دار مسلمانی است و هرگز منکر این سخنان نیستند، بلکه همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد با شدت، حدت و سینه‌چاک از این سخنان دفاع کرده و مخالفان خود را «کافر»، «مشرک» دانسته و فتوا به قتلشان صادر می‌کنند.

«خدای من» کیست؟

بارها گفته‌ام و بار دگر می‌گویم و بر گفته خود می‌بالم:
«اگر توحید و خدایی که وهابیت ما را به آن می‌خواند، همان

۱. آنچه در متن بالا آمد چکیده‌ای از فتاوی‌ای مفتیان اعظم عربستان سعودی و استنادات آنان از کتاب بخاری و مسلم است که در فصل نخست کتاب «خدای وهابیت» از همین نویسنده آمده است.

خدایی است که در بالا آمد و استادانش در جای خود می‌آید، ما به چنین خدایی «مشرک هستیم»^۱، از او «برانت جسته و او را بندگی نمی‌کنیم»^۲، و خدای خود را از آنچه وهایت توصیف می‌کنند پاک و منزّه می‌دانیم»^۳.

خدای ما چنین خدایی است:

«یکتا، بی‌همتا، بی‌مانند، دارای تمام هستی، با ما در همهجا، خارج از کون و مکان، منزّه از توصیف و خیال و همانی»^۴، بی‌نیاز از هر آنچه در دایره هستی است^۵، بیننده همه چیز^۶ و غیر قابل دیدن^۷، در دایره

۱. «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (شعر/۲۲) «خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می‌دهند».
۲. «إِنِّي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ» (زخرف/۲۶) «من از آنچه شما می‌پرستید، بیزارم».
۳. «سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ» (انعام/۱۰۰) «منزّه و برتر است خدا از آنچه توصیف می‌کنند».
۴. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (توحید/۱) «بگو: خداوند، یکا و یگانه است».
۵. «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (توحید/۴) «او برای او هیچگاه ندیده و مانده نبوده است».
۶. «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری/۱۱) «هیچ چیز همانند او نیست».
۷. «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ» (بقره/۱۱۵) «مشرق و مغرب، از آن خداست».
۸. «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (حدید/۴) «او هر جا باشید او با شماست».
۹. «فَأَيُّمَا تَوَلَّوْا قَتَمَ وَجْهُ اللَّهِ» (بقره/۱۱۵) «و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست».
۱۰. «سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ» (انعام/۱۰۰) «منزّه و برتر است خدا از آنچه توصیف می‌کنند».
۱۱. «قَالَ اللَّهُ عَنِّيَ عَنِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۹۷) «خداوند از همه جهانیان، بی‌نیاز است».
۱۲. «لَا تُذِرُكَ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُذِرُكَ الْأَبْصَارُ» (انعام/۱۰۳) «چشم‌ها او را نمی‌بینند ولی او همه چشم‌ها را می‌بیند».
۱۳. «قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي» (اعراف/۱۴۳) «موسی به پروردگار عرض کرد: «پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم» گفت: «هرگز مرا نخواهی دید».

تشبیه و جسمانیت^۱ و در حیطه علم و آگاهی ما نمی‌گنجد^۲ و...
به همین منظور در کتاب دیگرمان، «خدای وهابیت» را به تصویر کشیده‌ایم تا صاحبان خرد، به قضاوت نشینند آیا خداین که در تراوشات اندیشه بیمار وهابیت آمده توحیدی و پرستیدنی است؟
آیا شایسته است کسانی که چنین پندار بیماری در باره خداوند دارند، خود را «موحد» پنداشته و پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را که بر اساس روایاتشان منزّه از هرگونه تجسیم، تمثیل و تنظیر بیان شده را «مشرک» بدانند؟^۳

«پیامبر وهابیت» کیست؟

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از بیانات جانگدازش نزد علما و مفتیان وهابیت چنین پیامبری است:

«هرگونه سفر برای زیارت بارگاه مطهرین، توسل به حضرتش، سلام، صلوات، درود، نماز و دعا نزد قبر مطهرین و اهداء هرگونه ثواب به روح ملکوتیش بدعت است و حرام، فکد هرگونه ارتباط دوسویه با جهان هستی، همسان و هم‌ارزش با دیگر مرکان، گنبد و بارگاه نورانش محکوم به تخریب، جشن میلاد و سوگواری و عزادری در سالگرد ولادت و شهادتش حرام و...^۴ پیامبری که نعوذ بالله...

۱. «فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/۷۴) «پس، برای خدا امثال (و شبیه‌ها) قائل نشوید! خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید».
۲. «وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» (طه/۱۱۰) «آنها به (علم) او احاطه ندارند».
۳. آنچه در متن بالا آمد چکیده‌ای از فتاوی مفتیان اعظم عربستان سعودی در باره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که در فصل دوم کتاب به تفصیل خواهد آمد.

در روایات مورد استناد آنان، مشرک‌زاده‌ای ناآگاه به بسیاری از امور معیشت دنیا، کم هوش و حافظه، فراموش‌کار، عاشق مطربان و رقاصان، بی‌مبالات نسبت به اختلاط زن و مرد نامحرم، بی‌توجه به احکام شریعت به نحوی که برخی صحابه به او گوشزد نموده، گاهی برخی آیات قرآن را فراموش کرده، نمازهایی عجیب و غریب خوانده که برخی از آنها در آغل گوسفندان به‌پا داشته می‌شد، در برابر دیگران ایستاده بول کرده، چندین بار برای خودکشی بر فراز کوه رفت، ولی جبرئیل او را منصرف کرد و در یک کلام روایاتی که زبان یاهو سریان، دشمنان اسلام، کاریکاتوریست‌های اروپایی و مسلمان بدعتی مرتد در کتاب «آیات شیطانی» را در برابر مسلمانان دراز کرده و خون هر انسان آزاداندیش و غیرتمند را از شنیدن چنین سخنان به حیرت آورده و غیرت اسلامی و انسانی‌اش را در دفاع از حریم نبوی ﷺ به حرمش می‌آورد...^۱»

آیا سزوار است گروه نامبرده با فتاوی‌ای آن‌گونه و روایاتی این‌گونه، خود را «اهل سنت» خوانده و هرگونه عمل شیعیان را به مقام عصمت را شایسته حضرتش و سهو، نسیان، رفتار ناشایست و مخالف با مرتت و فتوت را دور از حریمش دانسته و بر اساس نصوص قرآن کریم او را دارای «أسوه حسنه»^۲ و «خُلُقِ عَظِيمٍ»^۳ می‌دانند را «اهل بدعت» بنامند؟!

۱. آنچه در بالا آمد چکیده‌ای از روایات کتاب بخاری و مسلم است که در فصل نخست کتاب به تفصیل، آمده است.

۲. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱) «مسلماناً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود...»

۳. «وَإِنَّكَ لَعَلَّ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۵) «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری!»

آیا کتاب «آیات شیطانی»، اثر بی‌ارزش و کفرآمیز «سلمان رشدی» که به خاطر اهانت‌هایش به بزرگ‌ترین شخصیت جهان اسلام، توسط امام خمینی علیه السلام فتوای اعدامش صادر گردید و نیز کاریکاتورها و تصاویر اهانت‌آمیزی که در چند کشور اروپایی یکی پس از دیگری در جسارت به ساحت مقدس نبوی کشیده و عکس‌العمل شدید جهان اسلام، مراجع عظام تقلید شیعه و رهبر فرزانه انقلاب را در پی داشت^۱ و یا در مناظره‌ای که اخیراً میان یکی از علمای مسیحی (قبطی) در مصر با یکی از علمای وهابی در باره شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله صورت پذیرفت و عالم وهابی را در برابر میلیون‌ها بیننده در مسار ساخت^۲ به جز با استناد به این فتاوا و روایات اهانت‌آمیز است؟

۱. گزیده‌ای از سخنان رهبر فرزانه انقلاب در بیدار کارگزاران نظام، پس از اهانت‌های

کاریکاتوریست‌های اروپایی مورخ ۱۳۷۹/۳/۳۱.

«تصادفی نیست که ما مشاهده می‌کنیم در این سال‌های اخیر، مثل دوران قرون وسطی و دوران تحلیل‌های مغرضانه مستشرقین، نسبت به ساحت مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله اهانت روا می‌دارند... مدت‌ها فاصله شده بود؛ ولی اخیراً باز شروع کردند. در چند سال اخیر، انسان یک تهاجم مطبوعاتی و فرهنگی پلید و شومی را در اکناف عالم نسبت به شخصیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله مشاهده می‌کند... علمای اسلام، روشنفکران مسلمان، نویسندگان، شعرا و هنرمندان دنیای اسلام، امروز وظیفه دارند تا آن‌جایی که توان آنها اجازه می‌دهد، شخصیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ابعاد عظمت این وجود بزرگ را برای مسلمانان و غیر مسلمانان ترسیم کنند. این امر به اتحاد امت اسلامی و به خیزشی که امروز در نسل‌های جوان امت اسلام به سوی اسلام مشاهده می‌شود، کمک خواهد کرد.»

<http://farsi.khamenei.ir/print-content?id=۳۰۱۴>

۲. <http://www.muslimchristiandialogue.com>

«پیامبر من» کیست؟

... اما من فاش می‌گویم و بر گفته خود می‌بالم:

«پیامبر من، پیامبر و هایت نیست و سنت چنین پیامبری را پیرو نیست. پیامبر من از عالم افلاک است نه از عالم خاک، مهبط وحی است و تجلی‌گاه آیات خدا، مظهر خُلق عظیم،^۱ داناترین و آگاه‌ترین انسان‌ها در پهنه گیتی،^۲ محب و محبوب خدا و به همین رو، مایه امنیت از عذاب مخلوقات^۳ و رحمة للعالمین،^۴ سرمشق دفتر انسانیت، ظمیر رأفت و مهربانی،^۵ چراغ فروزان در تجلی نور وحی و تفسیر آیات رحمت،^۶ از عرش به فرش آمده تا خلقت،

۱. «وَلَاخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى» (ضحی/۵) «هرینه آخرت برای تو بهتر از دنیاست».
۲. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ» (زمر/۴۱) «ما این کتاب را بر تو نازل کردیم...».
۳. «وَأَنَّكَ لَעَلَّ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۴) «و تو بر خوبی بزرگ هستی».
۴. «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» (نساء/۱۱۳) «و خدا بر تو کتاب و حکمت نازل کرد و چیزهایی به تو آموخت که از این پیش نمی‌دانسته‌ای و خدا لطف بزرگ خود را بر تو ارزانی داشت».
۵. «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» (انفال/۲۳) «تا آن‌گاه که تو در میانشان هستی خدا عذابشان نکند».
۶. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۱۰۷) «و نفرستادیم تو را، جز آن که می‌خواستیم به مردم جهان رحمتی ارزانی داریم».
۷. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱) «شخص رسول الله برای شما مقتدای پسندیده‌ای است».

۸. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (توبه/۱۲۸) «ای مؤمنان! رتوب و مهربان است».
۹. «وَأَعِيزُوا إِلَى اللَّهِ يَذِّبْهُ سِرَاجًا مُنِيرًا» (احزاب/۴۶) «و برای مردم چراغی تابناک».

بی غایت نماند؛ آفرینش، بی مقصود نشود و انسانیت بی هدف نگردد؛ و در یک کلام آنچه خوبان همه دارند او تنها دارد^۲ و تو ای تجلی همه زیبایی‌ها ساحت پاک و خاطرت آزاده^۳ و خدای تو می‌داند که آنان در خفا و آشکار چه در سودای ناپاکشان می‌پروراندند^۴ و برای توسل پاداشی بی‌پایان^۵...

این اثر می‌کوشد تا برخی پیامدهای منفی دوری از «خاندان وحی» و رو آوردن به «مکتب خلفا» که حاصل آن، روایات ساختگی و منسوب به ساحت مقدس نبوی ﷺ برای موجه جلوه نمودن خود در موضوع «پیامبر و هابیت» را به تصویر کشد و حقیقت روایاتی را که از متون غیر اسلامی وارد منابع روایی برخی فرقه‌های اسلامی گشته و در گذر زمان، رفته رفته به عنوان معتقدات برخی از آنان به خصوص فرقه ضالّه وهابیت قرار گرفته و نتیجه آن صدور فتاوی عجیب و غریب و احکام تکفیری و کشتار مسلمانان به خصوص شیعیان گردیده را بنمایاند و این پرسش را در برابر دیدگان آزاداندیش و منصف قرار دهد که راستی بر جامعه اسلامی چه گذشت که خاندان وحی، خانه‌نشین، مبرور و معارف

۱. «لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتَ الْأَفْلَاقَ؛ ای پیامبر اگر تو نبودی افلاک را نیز نمی‌آفریدم.» پیرامون این حدیث در ادامه کتاب به تفصیل سخن به میان خواهد آمد.
۲. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (کوثر ۱) «ما همه خوبی‌ها را به تو عطا کردیم.»
۳. «قَلَّا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ» (یس ۷۶) «سخنشان تو را اندوهگین نسازد. ما هر چه را پنهان می‌دارند یا آشکار می‌سازند می‌دانیم.»
۴. «إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ» (یس ۷۶) «ما هر چه را پنهان می‌دارند یا آشکار می‌سازند می‌دانیم.»
۵. «وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ» (قلم ۳) «و برای توسل پاداشی پایان‌ناپذیر.»

نایشان بی‌مشتی، اما تازه مسلمانانی که برخی از آنان در دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام گوی سبقت را از یک‌دیگر ربوده، مرجع روایی و دینی مسلمانان گردیدند؟

به خواست خدا در این کتاب، برآنیم تا روشن سازیم گروهی که امروز ندای پیروی از سنت نبوی و سلف صالحان^۱ گوش فلک را کر کرده و شیعه را متهم به عدم پیروی از سنت راستین نبوی نموده و ما را بدعت‌گذار و خرافی می‌پندارند چگونه سنت و شخصیتی از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی و به جهانیان عرضه می‌دارند.

امید که خوانم در این تلاش اندک، کمترین دین خویش را به ساخت ربوبی و سنت نبوی ادا نموده و در زدودن پیرایه‌های زشت و نامعقولی که در حوزه اندیشه اسلامی وارد گردیده، توفیق حاصل نمایم. از خوانندگان اثر خواستاریم، در صورتی که مطالب این کتاب را در نشر معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و شکل ساختن فضایح فرقه ضالّه وهابیت، مفید و مؤثر دیدند در معرفی آن به دوستان اهل بیت علیهم‌السلام دریغ نورزیده و بدین‌وسیله نویسنده را در ادامه راه، حمایت نمایند؛ وی نیز نزد خدای خویش متعهد است تا آنان را در ثواب این اثر، شریک سازد.

ران ملخی است تحفه مور، تقدیم به سلیمان ملک وجود، همو که جهان در انتظار اوست تا بیاید و جهان را پر از عدل و داد سازد. ذخیره‌ای باشد برای روزی که دست‌ها خالی و چشم‌ها به لطف و

۱. مطالبی پیرامون وجه نام‌گذاری «وهابیت»، «سلفیه»، «سلفی‌گری» و دیگر موضوعات مرتبط را در کتاب «شاخ شیطان» از همین نویسنده بخوانید.

گرم اوست؛ تا چه قبول افتد و چه در نظر آید که هرچه داشته و داریم به یمن وجود اوست.

برگ سبزی است تحفه درویش چه کند بینوا، ندارد بیش

﴿وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾

یا علی گفتیم و عشق آغاز شد...

سید مجتبیٰ عسیری^۱

۱. پیشنهاد و انتقاد سازنده شما عزیز، ره‌توشه‌ای است در ادامه مسیر. حضورتان سبز و دست حمایتان گرم. نویسنده کتاب، خادم خادمان حریم اهل بیت: به سه طریق، چشم انتظار لطف بی‌دریغ شماست:

الف: ایمیل AABAAD_IRAN@yahoo.com

ب: یاهو مسنجر با آیدی بالا.

ج: پیامک یا تماس با شماره همراه ۰۹۳۹۵۹۵۶۴۶۴

عزیزانی که به هر شکل در ترویج و معرفی این کتاب به مخاطبان و یا هرگونه حمایت دیگر، گامی بردارند در ثواب این اثر سهیم‌اند.